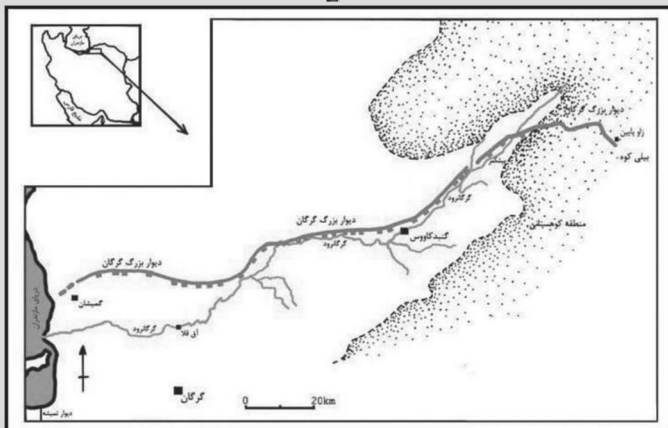


دیوار گرگان و دیوار تمیشه در برخی منابع تاریخی



ابوذر خسروی *



هجوم پیوسته اقوام صحراگرد شمال شرقی به مرزهای ایران در طول تاریخ باستان و غارت آن مناطق بخصوص شهر تاریخی گرگان (جرجان) که اکنون خرابه های آن در جوار مرقد یحیی بن زید در گنبد کاووس قابل مشاهده است، باعث گردید تا در دوره ساسانی طولانی ترین دیوار دفاعی ایران در دشت گرگان ساخته شود.

دیوار آجری گرگان بی تردید یکی از جلوه های پرافتخار میراث ایرانی و گرگانی در حوزه بناهای دفاعی است که در برخی از منابع عربی و فارسی دوره اسلامی به آن اشاره شده است . علاوه بر دیوار بزرگ گرگان و قلعه های این ناحیه، دیوار تمیشه نیز در مرز بین دو ایالت گرگان و طبرستان ساخته می شود تا سدی در مقابل مهاجمان به ناحیه طبرستان باشد. در این نوشته، متن برخی منابع تاریخی که به دیوار گرگان و تمیشه اشاره کرده اند، آورده شده و منابع عربی به فارسی روان ترجمه گردیده است. این منابع، اشاراتی نیز به دیوار باب الاوباب (درپند) در قفقاز و باورد (ابوبورد) در خراسان دارند.

* . پژوهشگر
تاریخ محلی

دیوار گرگان و قلعه های آن در برخی منابع تاریخی قرن سوم تا هفتم ه.ق.

• دیوار گرگان در «المسالک و الممالک» ابن خردادبه (قرن سوم)

«و من الثغور الکبار ثغر التّرك و لهم البرّیه مما یلی بلاد جرجان یخرجون منها و کان اهلها قد بنّوا علیها حائطاً من آجرٍ تحصناً من غاراتهم».

ترجمه متن :

از مرزهای طولانی و بزرگ، مرز ترک هاست که خشکی و بیابانی است و از آنچه که به گرگان زمین می آید و از آن مسیر بیابانی (به سوی گرگان) خارج می شوند (حمله می کنند؟) و مردم گرگان دیواری از آجر به خاطر پناه جستن از غارتگری آنها ساخته بودند .

• دیوار گرگان در «فتوح البلدان» بلاذری (قرن سوم)

«و حدّثنی علی بن محمد المدائنی: أقام یزید بن المهلب بخراسان شتوه ثمّ غزا جرجان، و کان علیها حائط من آجرٍ قد تحصنوا به من التّرك و أحد طرفیه فی البحر».

ترجمه متن :

علی بن محمد مدائنی برای من تعریف کرد: یزید بن مهلب زمستان در خراسان اقامت کرد. پس با مردم گرگان جنگ کرد در حالی که بر آن (گرگان) دیواری از آجر بود که از دست حمله ترکها به آن پناه می جستند و یکی از دو طرف آن (دیوار) در دریا بود»

• ابنیه دفاعی گرگان در غرر اخبار ملوک الفرس ثعالبی (قرن پنجم)

ثعالبی در ذکر اقدامات انوشیروان به ساخت ابنیه دفاعی گسترده در دوره او در ناحیه گرگان و قفقاز اشاره می کند: «و ذلّ الملوک و سدّ الثغور و حصّن الاطراف و بنّی بجرجان الحصون بالحجارة و بنّی باب صول بالرّخام و هو خمسه فراسخ و بنّی السور بالباب و الابواب سداً بین ایرانشهر و الخزر و بنّی بینة و بین جبل القبق اکثر من مائه قلعه استظهاراً لأهل ایرانشهر من اعدائها من التّرك و الخزر و الروس»

و پادشاهان را رام و مطیع خود کرد و منافذ مرزها را بست و اطراف و نواحی را محکم کرد و در گرگان با سنگها، قلعه ها ساخت. و دروازه صول را با سنگ سفید بنا کرد و آن پنج فرسخ است. و حصار باب الابواب را همچون سدّی بین ایرانشهر و خزر ساخت. و بین آن و بین کوه قبق (در قفقاز) بیش از صد قلعه برای حمایت از مردم ایرانشهر در مقابل دشمنانشان از ترک و خزر و روس بنا کرد .

• بناهای ساخته شده در گرگان و قفقاز در دوره انوشیروان مطابق روایت «زین الاخبار» گردیزی (قرن پنجم):

«(نوشروان) به گرگان رفت و آنجاها بنا افگند، از رخام کوشکی بنا کرد که کس اندر جهان چنان ندیده بود، همه دیوارها و بام او از رخام، و ترکان خوارزم بطاعت او آمدند و دیواری که یجز بر بن بهرام بنا کرده بود و اساس آن نهاده بود و تمام نکرده و پانزده فرسنگ درازای آن دیوار بود، نوشروان او را تمام کرد و از آنجا باز آمد»

میسر

گردیزی درباره محل دیوار ناتمام یزجرد بن بهرام می‌نویسد :

« و دیواری بنا کرد میان ارومیه و خزر تا باب الابواب، اما تمام نتوانست کرد و فرمان یافت»

• **دیوار گرگان در «نزهت نامه» علائی (قرن پنجم):**

«و دیگر چندی که معروف و مشهور است باز گویند بنای تجنبار که به گرگان است که آن از سر کوه علیاباد از ناحیت سیواوشک و تا آسکون دیواری کشیده‌اند از خشت پخته، هر آجوری (۹) سی چهل من.... که پنجاه من باشد و طول این دیوار پنجاه فرسنگ فزونتر است و از بهر مضرت ترکناز لشکر توران کردند و گویند چون تمام شده بود، ترکان برسیدند و ایشان را پادشاه بود نابینا (۹)، پرسید که این دیوار چگونه است؟ با او وصف کردند با و آجر پخته ساختن. گفت: هم بدست خویش ویران کند و بازگشت»

• **دیوار گرگان در «جهان نامه» تالیف ۶۰۵ ق. (اوایل قرن هفتم)**

گزارش این کتاب درباره دیوار گرگان به کتاب نزهت نامه بسیار نزدیک است :
«بحدود گرگان دیواری کشیده است از خشت پخته از سر کوه علیاباد تا ناحیت سیواوشک تا آسکون. و هر خشتی سی من تا چهل من. و طول این دیوار پنجاه فرسنگ برآید. و این دیوار که بر درّه گز و باورد بنزدیک دیه بغوده می‌گذرد و به زیر شهر باورد در بیابان فرو گذرد بسوی سرخس، معلوم نیست تا هم از این دیوارست یا خود دیواری دیگرست. و آن دیوار که بحدود گرگان است آن را تجنبار خوانند»

• **دیوار و خندق تمیشه در برخی منابع تاریخی از قرن سوم تا دوره قاجار :**

• **دیوار تمیشه در «البلدان» ابن فقیه (قرن سوم)**

«و اول مدن طبرستان ممایلی جرجان، طمیش و هی علی حدّ جرجان و علیها درب عظیم لیس یقدر أحد من اهل طبرستان آن یخرج منها الی جرجان الا فی ذلک الدرب لانه حائط ممدود من الجبل الی جوف البحر من آجر و حص و کان کسری انوشیروان بناه لیحول بین التّرك و بین الغاره علی طبرستان»

ترجمه: و نخستین شهر طبرستان از طرف گرگان، تمیشه است و آن بر مرز گرگان (با طبرستان) واقع است. و بر آن دری بزرگ وجود دارد که هیچ کس از اهالی طبرستان قادر به خروج از آن به سوی گرگان نیست مگر از راه آن در برای اینکه آن(جا)، دیواری کشیده شده از کوه تا درون دریاست که از آجر و گچ ساخته شده است و خسرو انوشیروان آن را ساخت تا حائلی برای جلوگیری از غارتگری ترکان در مازندران ایجاد کند.

• **دیوار تمیشه در «اعلاق النفیسه» ابن رسته ۲۹۰ الی ۳۳۰ ق. (قرن سوم تا اوایل قرن چهارم)**

متن الاعلاق النفیسه با گزارش ابن فقیه تفاوت چندانی ندارد .

«و اوّل مدن طبرستان ممایلی جرجان، طمیس و هی علی حدّ جرجان و علیها درب عظیم لا یقدر أحد من اهل طبرستان آن یخرج منها الی جرجان و لا أن یدخل من جرجان الی طبرستان الا فی ذلک الدرب لانه حائط ممدود من الجبل الی جوف البحر من آجر. کان کسری

انوشیروان بناه لیحول بین التَّرك و بین الاغاره علی طبرستان»

ترجمه : «و نخستین شهر طبرستان از طرف گرگان، تمیشه است و آن بر مرز گرگان (با طبرستان) واقع است. و بر آن دری بزرگ وجود دارد که هیچ کس از اهالی طبرستان قادر به خروج از آن به سوی گرگان نیست و کسی نیز نمی‌تواند از گرگان به طبرستان وارد شود، مگر از راه آن در. برای اینکه آن(جا)، دیواری کشیده شده از کوه تا درون دریا که از آجر ساخته شده است. خسرو انوشیروان آن را ساخت تا حائلی برای جلوگیری از غارتگری ترکان در مازندران ایجاد کند.

• **دیوار تمیشه در کتاب «حدود العالم» (قرن چهارم).**

«شهرکی است خُرد و گرد وی باره و نعمت بسیار و اندر میان کوه و دریا نهاده است و حصاری دارد استوار و اندر وی پشه بسیار باشد اندر همه شهر مگر به مگرت جامع کی پشه اندر وی نرود»

• **خندق تمیشه در «تاریخ طبرستان» ابن اسفندیار (قرن هفتم).**



«چون هفت اقلیم به حکم او (فریدون) شد، نشست جای خویش، تمیشه ساخت و هنوز اطلال و دمن سرای او به موضعی که بانصران گویند، ظاهر و معین است و گنبدهای گرمابه را آثار باقی، و خندقی که از کوه تا دریا فرموده بود، پیدا. و من جمله آن بنوینتها مطالعه کرده‌ام و آنجا بطواف رفته و عبرت گرفته»

• **دیوار و خندق تمیشه در سفرنامه شمال مکنزی (دوره قاجاریه)**

«مدتی از میان جنگل با انواع درختان و بته‌های جنگلی گذر کردیم. سه کیلومتر دورتر جر کلباد بود. یک خندق و یک دیوار ویرانه مرز این ولایت و مازندران است»

• **خندق تمیشه در «مازندران و استرآباد» رابینو (دوره قاجاریه)**

«گرگان که استرآباد هم جزء آن بود از دینارجاری سرحدّ غربی دهستان و مرز شرقی طبرستان تا جنگل انجدان، حدّ شرقی مازندران بوده، انجدان شاید از تمیشه زیاد دور نبوده و تمیشه هم محلی بوده در جوار غربی خندقی که اسپهبد فرخان کبیر برای دفاع در برابر تورانیان کنده بود و خود استرآباد بیرون تمیشه نامیده می‌شده است. نواحی شرقی مازندران را که هم مرز آن بود، بیرون تمیشه می‌خواندند»

شاهنامه فردوسی (قرن چهارم و سالهای نخست قرن پنجم) روایتگر کدام دیوار است؟

دیوار گرگان یا دیوار تمیشه؟

روایت شاهنامه از دستور انوشیروان دادگر برای ساخت «دیوار بلند» با گزارشات ابن فقیه، ابن رسته و ابن اسفندیار شباهت‌هایی دارد. ابن اسفندیار تختگاه و نشست فریدون را در

می‌روداد

تمیشه دانسته است. در شاهنامه فردوسی نیز از زبان انوشیروان و یکی دیگر از بزرگان (گوینده)، تختگاه و نشست فریدون، تمیشه ذکر شده است :

زیرا فریدون یزدان پرست	بدین بیشه برساخت جای نشست
بدو گفت گوینده کای دادگر	گر ایدر ز ترکان نبودی گذر
از این مایه و رجا بدین فرهی	دل از ما ز رامش نبودی تهی
همان آفریدون یزدان پرست	برین بیشه برساخت جای نشست
اگر شاه بیند به رای بلند	به ما برکند راه دشمن به بند

طبق روایت شاهنامه درخواست ساخت دیوار زمانی صورت می گیرد که انوشیروان از گرگان به ساری و آمل رفته و بر روی کوهی بلند در حال تماشای زیباییهای خیره کننده طبیعت بهاری و توصیف آن است. در اینجا است که «گوینده» با اشاره به حملات ترکان و غارتگریشان در آن ناحیه، از انوشیروان می خواهد تا راه دشمن را ببندد و شاه ایران بعد از شنیدن سخنان او، فرمان می دهد تا دیواری بلند از دریا تا کوه ساخته شود:

به دستور گفت آن زمان شهریار	که پیش آمد این کار دشخوار
یکی باره از آب بر کش بلند	برش پهن و بالای او ده کمند
به سنگ و به گچ باید از قعر آب	برآورده تا چشمه افتاب

همانگونه که ابن فقیه دیوار تمیشه را ساخته شده از آجر و گچ دانسته و از درب بزرگ آن سخن گفته، شاهنامه نیز به دیوار ساخته شده از سنگ و گچ و درب آهنی بزرگ اشاره می کند.

اگر این شواهد را مبنای قضاوت قرار دهیم، گزارش شاهنامه می تواند به دیوار تمیشه اشاره داشته باشد.

اما در ابیات پایانی روایت شاهنامه قرائن و نشانه هایی وجود دارد که گویی اشاره به دیوار گرگان دارد. آنجا که می گوید:

یکی پیر موبد بر آن کار کرد	بیابان همه پیش دیوار کرد
دری برنهادند از آهن، بزرگ	رمه یکسر ایمن شد از بیم گرگ
همه روی کشور نگهبان نشاند	چون ایمن شد از دشت لشکر براند

مصرع «بیابان همه، پیش دیوار کرد» اشاره ای صریح به ساخت دیوار در سرتا سر بیابان است. آیا این مصرع گویای ساخت دیوار گرگان در بیابان با دشت گرگان نیست؟ بیت پایانی روایت شاهنامه این احتمال را بیشتر تقویت می کند :

همه روی کشور نگهبان نشاند

چون ایمن شد، از «دشت» لشکر براند.

آیا مقصود شاهنامه از «دشت» در این مصرع، جز «دشت گرگان» است؟

بنابراین در روایت شاهنامه، هم برای دیوار تمیشه و هم دیوار گرگان می توان شواهدی را یافت.

از این گونه لشکر به گرگان کشید
چنان دان که کمی نیاید ز داد
ز گرگان به ساری و آمل شدند
در و دشت یک سر همه بیشه بود

ز هامون به کوهی برآمد بلند
سر کوه و آن بیشه‌ها بنگرید
چنین گفت کای روشن کردگار
تویی آفریننده هور و ماه
جهان آفریدی بدین خرمی
کسی کو جز از تو پرستد همی
ازیرا فریدون یزدان پرست
بدو گفت گوینده کای دادگر
از این مایه و رجا بدین فرهی
نیاریم گردن برافراختن
نماندند بسیار و اندک به جای
گزندی که آید به ایران سپاه
بسی پیش از این کوشش و رزم بود
کنون چون ز دهقان و آزادگان
نکاهد همی رنج کافزایش است؟
نباشد به گیتی چنین جای شهر
همان آفریدون یزدان پرست
اگر شاه بیند به رای بلند
سرشک از دو دیده ببارید شاه
به دستور گفت آن زمان شهریار
نشاید کزین پس چمیم و چریم
جهاندار نپسندد از ما ستم
چنین کوه و این دشت های فراخ
پر از گاو و نخچیر و آب روان
نمانیم کین بوم ویران کنند
ز شاهی و از رای و فرزاندگی
نخوانند بر ما کسی آفرین

همی تاج و تخت بزرگان کشید
هنر باید از شاه و رای و نژاد
به هنگام آواز بلبل شدند
دل شاه ایران پر اندیشه بود

یکی تازی برنشته سمند
گل و سنبل و آب و نخچیر دید
جهاندار و پیروز و پروردگار
گشاینده و هم نماینده راه
که از آسمان نیز پیدا زمی
روان را به دوزخ فرستد همی
بدین بیشه بر ساخت جای نشست
گرایدر ز ترکان نبودی گذر
دل از ما ز رامش نبودی تهی
زیس کشتن و غارت و تاختن
ز پرنده و مردم و چهارپای
ز کشور به کشور جزین نیست راه
گذر ترک را، راه خوارزم بود
برون آوری سر بود رایگان
به ما بر کنون جای بخشایش است
گر از داد تو ما بیاییم بهر
برین بیشه بر ساخت جای نشست
به ما بر کند راه دشمن به بند
چو بشنید گفتار فریادخواه
که پیش آمد این کار دشخوار خار
وگر تاج را خویشتن پروریم
که باشیم شادان و دهقان دژم
همه از در باغ و میدان و کاخ
ز دیده همی خیره گردد روان
همی غارت از شهر ایران کنند
نشاید چنین هم ز مردانگی
چو ویران بود بوم ایران زمین

میرداد

به دستور فرمود کز هند و روم
 ز هر کشوری مردم بیش بین
 یکی باره از آب بر کش بلند
 به سنگ و به گچ باید از قعر آب
 همانا که سازیم از این گونه بند
 نباید که آید یکی زین به رنج
 کشاورز و دهقان و مرد نژاد
 یکی پیر موبد، بر آن کار کرد
 دری بر نهاند از آهن بزرگ
 همه روی کشور نگهبان نشاند

کجا نام باشد به آباد بوم
 که استاد بینی، بر این برگزین
 برش پهن و بالای او ده کمند
 برآورده تا چشمه ی آفتاب
 ز دشمن به ایران نباید گزند
 بده هرچ خواهند و بگشای گنج
 نباید که آزار یابد ز داد
 بیابان همه، پیش، دیوار کرد
 رمه یکسر ایمن شد از بیم گرگ
 چون ایمن شد، از دشت لشکر براند

منابع:

- ابن خردادبه، ابی القاسم عبید الله بن عبدالله، (۱۸۸۹م). السمالک و الممالک: لیدن المحروسه. بمطبعه بریل.
- بلاذری، ابوالحسن احمد بن یحیی. (۱۳۳۷). فتوح البلدان: ترجمه محمد توکل. تهران نشر نقره.
- ابن فقیه، ابی عبدالله احمد بن محمد بن اسحاق الهمدانی. (بی تا). البلدان: تحقیق یوسف الهاوی. بیروت. عالم الکتب.
- ابن رسته، ابی علی احمد بن عمر. (۱۸۹۲م). الاعلاق النفیسه: لیدن المحروسه. بمطبعه بریا.
- نامعلوم. (۱۳۶۲). حدود العالم من المشرق الی المغرب: به کوشش منوچهر ستوده. تهران. طهوری.
- فردوست، ابوالقاسم. (۱۳۸۹). شاهنامه: (چاپ سوم). به کوشش جلال خالقی مطلق و ابوالفضل خطیبی. تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
- نعالی نیشابوری، عبدالملک بن محمد. (۱۳۶۸). تاریخ نعالی: دیپاچه مجتبی مینوی. تهران. نشر نقره.
- گردیزی، ابوسعید عبدالحی بن الضحاک بن محمود. (بی تا). زین الاخبار: تصحیح عبدالحی حبیبی. تهران. انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- شهرمدان بن ابی الخیر. نزهت نامه علانی: (نسخه خطی). تهران. کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره قفسه: ۶۸۵۶، شماره ثبت کتاب: ۸۷۲۶۹.
- محمد بن نجیب بکران. (۱۳۴۲) جهان نامه: به کوشش دکتر محمد امین ریاحی. تهران. انتشارات کتابخانه ابن سینا.
- ابن اسفندیار، بهاء الدین محمد بن حسن. (بی تا). تاریخ طبرستان: به تصحیح عباس اقبال آشتیانی. به اهتمام محمد رمضان. تهران. کلاله خاور.
- مکزی، چارلز فرانسیس. (۱۳۵۹). سفرنامه شمال: ترجمه منصوره اتحادیه (نظام مافی). تهران. نشر گستره.
- راینو، هل. (۱۳۶۵). مازندران و استرآباد: ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی. تهران. شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.